

«قیام مختار»، به قصد خونخواهی یا سودای حکمرانی؟

عضی او را «کذاب» نامیدند و اتهاماتی همچون ادعای «نبوت» برای خودش و ادعای «مهدویت» برای محمد بن حنفیه را برای او برشمرده‌اند ...

فارس به مناسبت ۱۴ ربیع‌الثانی گزارش می‌دهد

«قیام مختار»، به قصد خونخواهی یا سودای حکمرانی؟

بعضی او را «کذاب» نامیدند و اتهاماتی همچون ادعای «نبوت» برای خودش و ادعای «مهدویت» برای محمد بن حنفیه را برای او برشمرده‌اند که اغلب این نسبت‌ها، بعد از مرگ مختار بوده و مهم‌ترین عامل این اتهامات، ضرباتی است که او بر پیکر امویان وارد آورد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، چهاردهم ربیع‌الثانی، یادآور قیام مختار ثقفی است؛ همان کسی که بعد از قیام حضرت اباعبدالله الحسین(ع) در روز عاشورا، به خونخواهی از این امام همام قیام کرد و قاتلان امام حسین علیه‌السلام را به سزای اعمالشان رساند.

به همین بهانه گذری بر محتوا و چگونگی شکل‌گیری این قیام داشتیم که آن را در ادامه می‌خوانید:

مختار ابو عبید ثقفی از قبیله ثقیف، کنیه‌اش ابو اسحاق و لقبش مختار کیسان بود و فرقه کیسانیه به مختار منسوب هستند.

مختار در سال اول هجرت متولد شد. او جنگجویی شجاع بود و به همراه پدرش، در سیزده سالگی در یکی از جنگ‌ها شرکت کرد. مختار را به مدح و ذم توصیف کرده‌اند و به دلیل خونخواهی حسین بن علی و یارانش بسیار او را ستوده‌اند، آن چنان که امام باقر (ع) فرموده است: مختار را دشنام ندهید، او قاتلان ما را کشت و خونخواهی ما نمود.

اما از طرفی، بعضی هم او را «کذاب» نامیده‌اند و اتهاماتی چون ادعای «نبوت» برای خودش و ادعای «مهدویت» برای محمد بن حنفیه و تأسیس فرقه کیسانیه را برای او برشمرده‌اند که اغلب این نسبت‌ها، بعد از مرگ مختار بوده و همانگونه که در تاریخ نقل شده است، مهم‌ترین عامل این اتهامات، ضرباتی است که او بر پیکر امویان وارد کرده است.

مختار مردی باهوش و آگاه و خردمند بود. او تعبد زیاد داشت و به گفته همسرش از بندگان صالح خدا بود. همسر او بعد از این توصیف به دستور «مصعب بن زبیر» زندانی و بعد به قتل رسید. پدرش در واقعه یوم‌الحجر در عراق به قتل رسید و پس از آن، مختار تحت سرپرستی عمویش سعد قرار گرفت. خانواده او به سرپرستی عمویش به کوفه هجرت کردند. علی (ع) کوفه را مرکز خلافت قرار داد. آن حضرت عموی مختار را استاندار مدائن کرد و مختار نیز در کنار عمویش در آن جا ساکن شد و مختار بعدها از شیعیان شد.

مختار بعد از شهادت علی (ع) به بصره رفت و مدتی در آنجا ماند. پس از مدتی دوباره به کوفه آمد. وقتی مسلم بن عقیل از سوی امام حسین (ع) به کوفه رفت، در منزل مختار سکونت کرد و به خاطر همکاری با مسلم بن عقیل به زندان انداخته شد.

* مختار هنگام قیام کربلا زندانی بود

عبدالله عمر، «صفیه» خواهر مختار را به همسری برگزید و به این ترتیب مختار فامیل عبدالله بن عمر شد. مختار در تمام مدتی که جریان کربلا رخ داد، در زندان بود تا اینکه بعدها با وساطت عبدالله بن عمر از زندان آزاد و مجبور به سفر به طائف شد. مختار، هنگامی از زندان رهایی یافت که واقعه کربلا و قیام اباعبدالله الحسین(ع) و شهادت آن حضرت و یارانش در کربلا به پایان رسیده بود و او افسوس فراوان می‌خورد که چرا توفیق حضور در رکاب آن حضرت را نداشت. مختار از آن پس به سوی حجاز رفت و در مکه با قیام «عبدالله بن زبیر» آشنا شد.

مختار پس از دیدارهایی با عبدالله بن زبیر، وی را هم فکر و هم عقیده خویش نیافت و بدین جهت از وی جدا شد و به طائف رفت و پس از یک سال، بار دیگر به مکه رفت و با وساطت برخی از شخصیت‌ها، دوباره با عبدالله بن زبیر دیدار کرد و با او به صورت مشروط بیعت کرد و شرط او این بود که وی، پس از عبدالله بن زبیر، بالاترین پست حکومتی را داشته باشد، تا از این طریق به هدف‌ها و خواسته‌هایش برسد.

در جریان محاصره مکه توسط سپاه اموی، مختار نیز در کنار دیگران از حرم الهی دفاع کرد. پس از پایان محاصره، مختار به کوفه بازگشت. در این زمان کوفه به دست طرفداران عبدالله بن زبیر افتاده بود.

حجت‌الاسلام سید محمود طباطبایی‌نژاد، سرپرست گروه تحقیقاتی دانشنامه 14 جلدی امام حسین(ع) درباره اینکه آیا مختار جزو شیعیان اهل بیت(ع) به شمار می‌رفته یا خیر، می‌گوید: در آن زمان بیشتر به مثابه اینکه محب اهل بیت(ع) و طرفدار آنان بود، شیعه محسوب می‌شود. او از محبین اهل بیت(ع) و از طرفداران خط اهل بیت(ع) بود و در آن شکی نیست و به خاطر این طرفداری به زندان رفت؛ اما امام سجاد(ع) از اینکه قتله امام حسین(ع) به دست مختار کشته شدند، دلش شاد و خوشحال شد و این به طور قطع است.

تقریباً تنها جایی که اهل بیت(ع) بعد از واقعه عاشورا یک حالت جشن کوچک، همراه با پخش میوه برگزار کردند، زمانی بود که مختار، سر عبیدالله بن زیاد - شاید هم همراه با سر عمر سعد - را برای امام سجاد(ع)، فرستاد، امام(ع) خیلی خوشحال شد و نقل است که مختار را دعا کرد و فرمود: «جزی الله المختار خیرا» و در مدینه بین شیعیان و یا مردم اطراف خود میوه پخش کردند و جشن‌مانندی را برگزار کردند و گفتند که من از خدا می‌خواستم تا چنین روزی اتفاق بیفتد.

* امام سجاد(ع) و قیام مختار

بنابراین اینکه مختار، اصل کارش در جهت سرکوب قتله امام حسین(ع) مورد تأیید بوده، در آن شکی نیست؛ اما اینکه بگوییم که امام سجاد(ع) تا چه حد این قیام را تأیید کرد، باید گفت که اگر ما حتی در ظاهر تأییدیه‌ای هم نداشتیم، نمی‌توانستیم بگوییم که ائمه یا امام سجاد(ع) مخالف کار مختار بودند؛ مگر اینکه ادله مخالف پیدا شود. ولی صرف عدم تأیید، دلیل مخالفت نیست.

زیرا به خاطر اینکه ائمه(ع) در محدودیت بسیار زیاد بودند. آن زمان در جامعه اسلامی چند جناح پدیدار شده بود. یکی: «عبدالله بن زبیر» که حجاز در دست او بود. دیگری: شام بود که باقی‌مانده بنی‌امیه آنجا بودند و بعد از مختار ظهور کرد. در حقیقت مختار، کوفه را از دست فرمانداری ابن‌زبیر درآورد از این رو اصطکاک شدیدی بین مختار و ابن‌زبیر وجود داشت و امام سجاد(ع) در مدینه، تحت حاکمیت شدید ابن‌زبیر حضور داشت.

نمی‌توان در مورد موجه بودن یا نبودن قیام مختار اظهار نظر قطعی کرد بنابراین از یک سو امام سجاد(ع) به شدت تحت فشار و در مدینه محدود بود و اگر هم می‌خواست، برای ایشان امکان تأیید رسمی - با توجه به اینکه اهل بیت(ع) در کربلا ضربه سهمگینی متحمل شده بودند - مشکل بود و گرفتار امور خطرناک شدن، چندان صلاح نبود.

* حمایت غیر مستقیم محمد بن حنیفه از مختار

ورود مختار به کوفه مصادف با آمادگی توابعین برای خروج از شهر بود. طبعاً مختار نمی‌توانست در مقابل سران توابعین قد علم کند؛ به همین دلیل صبر کرد تا عاقبت کار توابعین مشخص شود. پس از خروج توابعین از شهر، قاتلان امام حسین(ع) که از مختار هراس زیادی داشتند. حاکم زبیری کوفه را وادار کردند تا مختار را زندانی کند. مختار دوباره زندانی شد، اما پس از مدتی با شفاعت عبدالله بن عمر، آزاد شد.

وی پنهانی مشغول آماده کردن قیام خود شد و از بازماندگان توابعین خواست تا آماده باشند. او آنان را به کتاب خدا، سنت رسول، انتقام خون اهل بیت، دفاع از ضعفا و جهاد با کسانی که حرام اسلام را حلال کرده‌اند، دعوت می‌کرد. مختار شیعیان را در محل‌های خاصی گرد هم می‌آورد و خود را به عنوان نماینده محمد بن حنفیه مطرح می‌ساخت.

گروهی از شیعیان نزد محمد بن حنیفه در مدینه رفتند و از او در این باره پرسیدند. محمد بن حنیفه از فرزندان امام علی(ع) و برادر ناتنی امام حسین(ع) نیز به صورت سر بسته و مبهم از مختار حمایت کرد، یعنی گفت: من دوست دارم تا خدا به دست هر کسی که خود از بندگان می‌خواهد، انتقام ما را بگیرد. این سخنان به صورت حمایت رسمی محمد بن حنیفه از مختار در میان شیعیان منتشر و موجب شد تا شیعیان زیادی به وی بپیوندند. مختار در پی افراد نیرومند و پر نفوذی بود که بتواند پایگاه

خود را مستحکم نماید.

از جمله آنان ابراهیم بن اشتر، فرزند مالک‌اشتر بود که توانست او را به سوی خود جلب کند. بالاخره در شب چهاردهم ربیع‌الثانی سال 66 شورش آغاز شد. دسته‌های سپاهیان او در شهر می‌گشتند تا هر که می‌خواهد به آنان ملحق شود. در جریان تسخیر شهر کوفه توسط نیروهای مختار، درگیری‌های متعددی رخ داد.

ممکن است گفته شود اجازه از محمد حنفیه دلیل بر رضایت ائمه از قیام او نمی‌شود، ولی با توجه به اینکه از طرفی، مختار می‌دانست هر گونه حکومت و سیاستی جز به فرمان معصوم صحیح نیست، و از سوی دیگر با توجه به شخصیت و تقوای محمد، او بدون اذن امام زمانش، اجازه چنین کاری را صادر نمی‌کند، و عدم اذن مستقیم از امام (ع) به خاطر رعایت شرایط تقیه بوده است. مختار برای گرفتن اجازه به سراغ محمد بن حنفیه می‌رود. در این دیدار محمد بن حنفیه او را به تقوا سفارش می‌کند و با رعایت شرایط تقیه، سخنانی می‌گوید که مختار از آن، اجازه برای قیام می‌فهمد و با توجه به شخصیت معنوی محمد بن حنفیه، می‌توان گفت اجازه او با اذن امام سجاد (ع) بوده است.

* کشتار 3 هزار نفر به دست مختار در خونخواهی حسین (ع)

پس از اینکه کوفه به دست مختار افتاد و «عبدالله بن مطیع» حاکم زبیری مخفیانه از شهر خارج شد. مختار با مردم شهر به عنوان امیر آنها بیعت کرد. اما اشراف کوفه که از مختار هراس داشتند دست به قیام زدند، که قیامشان سرکوب شد. پس از این جریان، مختار مأموریت اصلی خود یعنی کشتن قاتلان امام حسین (ع) را آغاز کرد.

وی اعلام کرد: هر کس در خانه خویش را به روی خود ببندد، امنیت خواهد داشت، مگر کسی که در ریختن خون فرزندان پیامبر مشارکت داشته باشد. بسیاری از اشراف که در ماجرای کربلا دست داشتند، به سمت بصره فرار کردند. اما یاران مختار بسیاری از آنان را دستگیر کرده و نزد مختار می‌آوردند؛ او نیز دستور می‌دهد که آنان را به قتل برسانند؛ حتی دست و پای بعضی را که جرمشان سنگین بوده قطع کرده و به قتل می‌رسانند. تعداد تخمینی کسانی که به جرم شرکت در حادثه کربلا کشته شدند، حدود سه هزار نفر ذکر شده است. از جمله این افراد: شمر بن ذی الجوشن، حرمه و عمر بن سعد را می‌توان نام برد.

* «قیام مختار»؛ مؤثرترین قیام در خونخواهی امام حسین (ع)

یاران مختار که عموماً از موالیان و ایرانیان مقیم عراق و شیعیان و دوستداران اهل بیت (ع) بودند، در اندک مدتی بر بخش‌هایی از عراق تسلط پیدا کردند. مختار پس از پیروزی، به تعقیب جنایتکاران واقعه کربلا پرداخت و بسیاری از آنان را دستگیر و به سزای کردارشان رسانید و برخی از آنان را در میدان جنگ به قتل آورد و برخی دیگر را در هنگام شکست، اسیر و به وضع فجیعی به هلاکت رسانید.

بعد از این وقایع، مختار، سپاهی را به سمت مدینه فرستاد تا مدینه را از تسلط عبدالله بن زبیر، خارج ساخته و به این ترتیب زمینه را برای حاکمیت شیعی در حجاز آماده کند. انقلابیون کوفه، با شعار «یا لثارات الحسین» حرکت خویش را گسترش داده و با نیروهای عبدالله بن مطیع، نماینده عبدالله بن زبیر به نبرد برخاستند و با شکست دشمن، حکومت کوفه را به دست گرفته و نماینده عبدالله بن زبیر را اخراج کردند. مختار با این اقدامات خویش، قلب شیعیان و اهل بیت داغدار را شاد کرد و دعای آنان را بدرقه خویش کرد.

بنابراین در میان همه قیام‌هایی که بعد کربلا انجام شد، قیام مختار بیشتر به نگاه و اندیشه اهل بیت به ویژه امام سجاد (ع) نزدیک است گرچه توابعین هم نیت پاکی داشتند ولی به نتیجه نرسیدند ولی مختار بالاخره توانست انتقام شهدای کربلا را بگیرد و به نوعی مؤثرترین قیام در بین قیام‌هایی بود که به خونخواهی امام حسین (ع) انجام شد.

پی‌نوشت‌ها:

- نفس المهموم شیخ عباس قمی

- بحارالأنوار

- جنبش‌های شیعی در تاریخ اسلام، ترجمه محمد صادق عارف

